

مقدمه

جایگاه و خصایص تشبّه به مسیح

ارزیابی نفوذ پر دامنه و ژرف این کتاب شگرف کوچک در بیش از پانصد سال از سراسر قلمرو مسیحیت، نامی‌سر است. پس از خود کتاب مقدس، هیچ اثر دیگری نمی‌تواند با بصیرت عمیق، وضوح اندیشه و قدرت آن بر هدایتگری، برابری کند. مسیحیانی متعلق به زمانها و دیدگاههایی بس گوناگون، همچون توماس مور^۱، ژنرال گرُدن^۲، قدّیس ایگناتیوس لویولایی^۳، جان وزلی^۴، قدّیس فرانسیس خاویر^۵ و دکتر جانسون^۶، تنها معدودی از هزارانند که دین خود را به این کتاب گرانقدر معترف شده‌اند.

-
۱. Sir Thomas More (۱۴۷۸-۱۵۳۵)، دولتمرد و نویسنده انگلیسی، صاحب کتاب شهر آرمانشهر. او از بیعت با هنری هشتم در مقام ریاست کلیسای انگلستان سر باز زد و جان خود را بر سر این مخالفت باخت. — م.
 ۲. General Gordon (۱۸۸۵-۱۸۸۳)، ژنرال انگلیسی، از قهرمانان جنگهای کریمه و بعدها جنگ با چین. او در خارطوم کشته شد. — م.
 ۳. St. Ignatius Loyola (۱۵۵۶-۱۴۹۱)، از بزرگان کلیسای اسپانیا و بنیانگذار جامعه یسوعیان. ریاضتهای معنوی او از مهمترین منابع یسوعیان و به طور کلی از کتابهای مهم طریقت مسیحی است. — م.
 ۴. John Wesley (۱۷۹۱-۱۷۰۳)، بنیانگذار کلیسای متدیست انگلستان. — م.
 ۵. St. Francis Xavier (۱۵۵۲-۱۵۰۶)، مبلغ اسپانیایی که از بنیانگذاران جامعه یسوعیان بود. — م.
 ۶. Dr. Samuel Johnson (۱۷۸۴-۱۷۰۹)، از نویسندگان و منتقدین دوران نئوکلاسیک در ادبیات انگلستان. — م.

چه بسا عجیب بنماید که کتابی به قلم کسی که تقریباً سراسر عمر طولانی خویش را در صومعه سپری کرده و آثارش را عمدتاً به نیت همگنان صومعه‌نشین خود می‌نگاشته است، واجد چنان قدرت عظیمی بر ارشاد و الهام صدها ناآشنای با حیات رهبانی بوده باشد: اما عشق شدید و سوزان نگارنده به خداوند، خضوع عمیق و معرفت ژرفش به کتب مقدس و نوشته‌های آباء کلیسا^۱، در پیوند با فهم او از طبیعت آدمی و حاجاتش، وی را به مشاوره دانا و امین برای همه آن کسانی بدل کرده است که طالب معرفت به غایت حقیقی حیات انسان و تحقق آن‌اند — «[طالب] ستایش و عشق و بندگی خدا و سرورشان و، بدین طریق، نجات ارواح خویش».^۲ از این روی، در حالی که توماس آکمپیس در وهله نخست، به نیت صومعه‌نشینانی مانند خود، قلم می‌زند، یعنی زاهدی از برای زاهدان دیگر، عارفی بهر همه آنان که از رهگذر توصیه‌های انجیلی به درویشی و عفاف و اطاعت، سودای وصال عرفانی با خدا را در سر می‌پروراند، اما توصیه‌های او در هدایت و الهام بخشیدن به مردان و زنان همه اعصار و اقوام، موفق بوده است.

رمز نفوذ حیرت‌آور و قدرت هدایتگری این کتاب کوچک، همانا راز حیات همه قدّيسان است — قربت ایشان به خدا و بازتاب عشق او در زندگانی و نوشته‌هایشان. درونمایه کتاب توماس، محبت و رحمت و قداست پروردگار است؛ او اتکای تمام و نیاز انسان به خداوند را با وضوحی زنده نشان می‌دهد، و نیز بیهودگی پوچ حیاتی را که مهجور از تنها سرچشمه حیات و نور حقیقی، به سر بُرده می‌شود: در ما شوری برمی‌انگیزد تا خیر و سعادت ابدی

۱. این لقب نخستین متکلمان در صدر مسیحیت است که به دفاع از دین کمر بسته

بودند. — م.

۲. قدّیس ایگناتیوس لویولایی، ریاضتهای معنوی.

خویش را در معرفت و بندگی خداوند بجویم. به قول قدّیس
 آگوستین^۱، پدر حامی^۲ فرقه رهبانی آگوستینی^۳ که خود توماس به
 آن تعلق داشت^۴: «خدایا، ما را بهر خویش آفریدی و قلوبمان تا در
 تو نیاسایند، آرام نگیرند.» توماس با کلماتی ساده و پُرشور آشکار
 می‌سازد که یگانه طریق وصول به مقصود والای وحدت با خداوند،
 ایمان به مسیح مصلوب است و پیمودن «راه با شکوه صلیب
 مقدّس»^۵ او. افزون بر این، در حالی که نگارنده، هم عارف است و
 هم عالم، همواره — چونان قدّیسه ترزای آویلائی^۶ — به نحوی اعلی
 متوجّه واقعیت و عمل است، و علاوه بر «چرایی» حیات معنوی، به
 «چگونگی» آن نیز می‌پردازد.^۷
 مرحوم دکتر اف. آر. کرویز، در اثر معتبر خود راجع به توماس
 آکمپیس، چنین می‌گوید:

بی‌تردید، تشبّه به مسیح، انعکاس اکمل نوری‌ست که عیسی
 مسیح با خود از آسمان به زمین آورد، و والاترین فلسفه

۱. Saint Augustine (۳۵۴-۴۳۰)، از آبای کلیسا و متکلمان و فیلسوفان مسیحی که با
 نوشته‌های خود، اندیشه آگوستینی را بر بخش بزرگی از تعلیم قرون وسطی حاکم
 ساخت. توماس آکمپیس نیز بسیار تحت تأثیر اوست. — م.

2. Patron 3. Canons Regular

۴. اهل این مسلک، در زندگی رُهبانی به سر می‌برند و در عین حال وظایف کشیشی خود
 را در قبال مردم انجام می‌دهند. این گونه نظام کلیسایی تحت دو عنوان وجود دارد که
 یکی از این دو خود را به آگوستین منسوب می‌دارد. — م.

۵. دفتر دوم، باب دوازدهم.

۶. S. Teresa of Avila (۱۵۸۲-۱۵۱۵)، عارفه و راهبه اهل اسپانیا که به اصلاح فرقه
 رهبانی کارملی مبادرت ورزید و هفده صومعه بر پا کرد. او به خاطر نوشته‌هایی در باب
 احوال پُر رمز و راز عرفانی‌اش، در طریقت مسیحی شهرت بسیار دارد. — م.

۷. آثار توماس، نمونه‌ای از عرفان عملی است و توانایی او بر فهم و تبیین مبانی نظری،
 دغدغه عمل را در وی کمرنگ نمی‌سازد. — م.

مسیحی را صادقانه به تصویر می‌کشد. آن‌گاه که منجی الهی ما، بر کوه موعظه می‌کرد، نمونه‌ی خصایص پیروان خود را چنین پیش نهاد — خضوع تمام، مسکنت روح، خلوص دل، تواضع، اندوه از برای گناه، بخشودن مظالم، و آرامش و سرور در میانه‌ی رنج و شکنجه. در هیچ جای دیگر نمی‌بینیم که به قدر این مجلد کوچک و بی‌تکلف، این تعالیم را با چنین صراحت و قدرت اقناعی آموخته باشند.^۱

امروزه، گرایش عام به این سمت است که قدّيسان را چون «خبرگان دین طبیعی» یا «حکمت خالده»^۲ بنمایانند؛ چونان مردان و زنانی که با گسستن غل و زنجیر اصول عقاید مسیحی، به مدد قابلیت طبیعی خویش، به وصال خداوند نایل آمده‌اند. چه بسا آن کس که بیش از همه قربانی این سوء تعبیرها شده است، وفادارترین فرزند کلیسا، قدّیس فرانسیس آسیری باشد.^۳ اما در تشبّه به مسیح، چونان که در حیات قدّيسان، وفاداری صادقانه و معقول به تعالیم مسیح و کلیسای مقدّس کاتولیک او را خواهیم یافت و توماس بر اعتقاد صواب به منزلّه شرط لازم زندگانی صواب، تأکید می‌ورزد. او نه یک عارف طبیعت‌نگر^۴ است، و نه بسیاری از تلاشهای عصر جدید را برای چشم‌پوشی از فطرت آدمی، یا تدارک آمیزه‌ای از فلسفه مسیحی و غیر مسیحی، بسان هدایتگری در حیات معنوی، در خور توجه جدّی می‌داند.^۵ توماس نیز همچون همه مسیحیان ایمان دارد که تنها از رهگذر قدرت و

1. Cruise, F. R. *Thomas à Kempis*, Kegan Paul, London, 1887.

2. Perennial Philosophy

3. St. Francis Assisi

4. Nature-Mystic

۵. البته می‌دانیم که قدّیس فرانسیس براستی جلال و جبروت دنیایی‌ای را که کلیسای روم از آن خود ساخته بود منقور می‌داشت و می‌خواست از ظاهر کلیسا به باطن معنوی‌اش عبور کند. — م.

۷ تعالیم عیسی مسیح، همان خدای حقیقی و انسان حقیقی، می‌توان به سوی پروردگار راه بُرد؛ با تمکین طبیعت از لطف الهی؛ با کفّ نفس؛ و با به جای آوردن مؤمنانه شعائر کلیسای کاتولیک، خاصه آیین عشای ربانی.

خواننده روزگار ما، چه بسا بخشهای کوچکی از کتاب را، همچون ابواب راجع به زندگی رهبانی^۱، در فروعات بی‌مناسبت با نیازهای خود بیابد، اما این بابها تذکاری ارزشمند بر این نکته‌اند که روح و مقصود اصلی فرقه‌های رهبانی، همان است که نزد همه مسیحیان مؤمن یافت می‌شود، یعنی پیروی مسیح و طلب کمال. رونق مجدد و پُر دامنه حیات رهبانی در خلال قرن گذشته، و دعوت آن به خدمتگزاری ایثارگرانه به خدا و انسان شاهی زنده و تذگری اثربخش است بر اینکه مقتضای حیات مسیحی، خویشنداری و ایثار است که با تعهدی راسخ به شخص مسیح، منجی ما، و تعالیم او همراه باشد.

چالش پُر قدرتِ کمونیسم الحادی در این روزگار، چندان راه به پیش نمی‌بُرد اگر همه آنان که «به اقرار زبان و به نام مسیحی‌اند»، در رهروی مسیح همان قدر سعی و اخلاص در کار می‌بستند که بسیاری از دشمنانشان در خدمتگزاری دجال^۲. و توماس در پی آن است که از برای همین ایمان به مسیح و کلیسای او، شوری برانگیزد.

در مقام تفسیر مقصود و ماهیت تشبه به مسیح، نویسنده‌ای می‌گوید:

۱. دفتر اول، باب ۲۰-۱۷.

فلسفه تشبیه به مسیح را می‌توان در دو کلمه خلاصه کرد. فلسفه نور است، و فلسفه حیات^۱: نور حقیقت، و حیات مبتنی بر لطف. هر یک از این دو را آکمپیس به مثابه منبع و سرچشمه آنها جستجو می‌کند. این دو را از یکدیگر جدا نمی‌سازد. تنها در وحدت این دو است که آدمی به کمال مطلوب فلسفی خویش نایل می‌گردد...

بدین‌سان نویسنده پارسا همراه با کلمنس اسکندرانی^۲ و آکوئیناس^۳، بهر یافتن معیار و کمال مطلوب معرفت بشری، به جانب کلمه متجسد — لوگوس الهی — پر می‌گشاید که در مقام سرچشمه‌ای است که جمله حقایق — اعم از معقول و منقول — از آن صادر می‌شوند.^۴ در اینجا او وحدت و سازگاری می‌یابد... تنها نور حقیقت نیست؛ بلکه حیات لطف نیز هست. این حیات عبارت است از کاربست فضایل مسیحی؛ کاربست فضایل مسیحی، به وصال مسیح منتهی می‌گردد. و وصال مسیح، در عشای ربانی به کمال خود می‌رسد. چنین است فلسفه حیات نزد این نویسنده، و در بسط این [فلسفه] است که نبوغش به نحو خاص درخشش می‌یابد. او اسرارآمیز، سخندان و والا است. تا رفیعترین اقالیم حقیقت اوج می‌گیرد، آنجا که شعر و فلسفه به هم می‌رسند. رهروی طریق مسیح، عطف توجه به کلامش، زندگانی در وحدتی

۱. دفتر سوم، باب بیست و سوم.

۲. Clement of Alexandria، عالم الهیات مسیحی و یونانی‌تبار که حوالی قرون دوم و سوم میلادی می‌زیسته و از بزرگان حوزه نوافلاطونی در اسکندریه بوده است. — م.

۳. Thomas Aquinas (۱۲۷۴ – ۱۲۲۵)، متکلم و فیلسوف مدرسی اهل ایتالیا که با آثار بزرگی همچون جامع الهیات، بنیانگذار الهیات توماسی شد. — م.

۴. در سنتی که مسیحیت از روایت یوحنا و تفاسیر آگوستین به ارث برده است، علم الهی جامع حقایق اشیا است و آن همان کلمه است که در مسیح تجسد یافته. — م.